فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc504473552)

[صور کلی درجه احتمال نسبت به وجود اعلم 2](#_Toc504473553)

[مقامات در احتمال وجود اعلم به معنای عام 2](#_Toc504473554)

[نظریات در باب متساوی بودن احتمال دو طرف و امکان احتیاط 3](#_Toc504473555)

[تفکیل علم اجمالی به اعلم و تکلیف 4](#_Toc504473556)

[اقاسم علم اجمالی به تکلیف 5](#_Toc504473557)

[علم اجمالی به تکلیف با قطع نظر از علم اجمالی به اعلمیت یکی از مجتهدان 5](#_Toc504473558)

[ترکیب علم اجمالی به تکلیف و علم اجمالی به اعلمیت یکی از مجتهدان 6](#_Toc504473559)

بسم الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه / اجتهاد و تقلید / مسأله تقلید (ملاک تشخیص مجتهد و اعلم)

# اشاره

مسئله بیست و یکم و سی و هشتم را با یکدیگر جمع کردیم، برای اینکه این دو مسئله در یک منظومه قرار می‌گرفتند، همان‌طور که بیان شد، در باب درجه احتمال نسبت به وجود اعلم، سه صورت کلی وجود دارد:

# صور کلی درجه احتمال نسبت به وجود اعلم

1 – ظن به وجود اعلم

2 – احتمال وجود اعلم

3 – علم اجمالی به وجود اعلم

# مقامات در احتمال وجود اعلم به معنای عام

برای احتمال وجود اعلم به معنای عام؛ سه مقام متصور است:

1 – احتمال در حد ظن تفصیلی و اجمالی است.

2 – احتمال در حد احتمال غیر ظنی است که تساوی و وهمی است.

3 – احتمال در حد علم است.

دو مبحث اول نه به شکل تام، بلکه برخی از اقسام آن‌ها در مسئله بیست و یکم آمده بود که در دو مقام بحث شد. هر دو مقام هم دو جهت داشت که یا فرض دو مجتهد و یا بیشتر بود.

مقام سوم در مسئله بیست و یکم نیست بلکه در مسئله سی و هشتم ذکر شده است که بحث علم است.

اگر علم تفصیلی باشد که قسم اول است، بحثی در آن نیست برای اینکه مطلب روشن است؛ اما اگر علم اجمالی شد، نیاز به بحث دارد که مرحوم سید در مسئله سی و هشتم متعرض شدند.

بیان شد که در اینجا مقصود از علم در این موارد، اعم از قطع به معنای یقین یا اطمینان یا حجت شرعی که حالت اجمال در متعلق آن وجود دارد، همه این‌ها مشمول این مبحث می‌شود.

اینجا که علم اجمالی به وجود اعلم هست، یا میان دو مجتهد و یا بیشتر است. میان دو مجتهد، مبحث اول بود. در اینجا بیان شد که چهار صورت است برای اینکه این شخص که علم اجمالی به اعلمیت دارد، احتمال‌ها که در اطراف شکسته می‌شود، گاهی مساوی است و گاهی یک‌طرف ظن و طرف دیگر وهم است. در هر یک از این دو صورت، یا جایی است که امکان احتیاط وجود دارد، یا دوران امر بین محذورین است و امکان احتیاط ندارد، با ضرب این دو تقسیم در یکدیگر چهار صورت می‌شود:

صورت اول این بود که علم اجمالی به وجود اعلم میان یکی از دو مجتهد است اما نمی‌دانیم این مصداق معلوم بالاجمال است یا دیگری مصداق معلوم است؛ لذا اجمال ایجاد شده است احتمال در دو طرف هم مساوی است درجه احتمال در دو طرف که این احتمالات شکسته‌ای از آن معلوم بالاجمال است، به‌صورت مساوی هست امکان احتیاط هم وجود دارد. این موضوعی که محل ابتلا آن فرد است و می‌خواهد عمل بکند، جایی است که می‌شود احتیاط کرد مثل نماز قصر یا تمام. در اینجا قسمتی از مبحث را با توجه به طرح کردن دو قول بیان کردیم.

# نظریات در باب متساوی بودن احتمال دو طرف و امکان احتیاط

1- در صورت اول که احتمال‌ها متساوی و امکان احتیاط وجود دارد، بیان شد که یک نظر تخییر است. ظاهر کلام مرحوم آقای حائری و مرحوم آقای فاضل است. ایشان در خصوص همین مورد قائل به تخییر شدند دیگران هم در حواشی تخییر را ذکر کرده‌اند؛ اما خروج از مبحث است. چندین تعلیقه در اینجا هست که خروج از مقسم و بحث مسئله سی و هشتم است، درواقع از اینجا به مسئله بیست و یکم برگشتند؛ اما در خصوص آنجایی که علم اجمالی است و دوران امر بین مواردی است که امکان احتیاط است و احتمال‌ها مساوی است، در اینجا یک نظر تخییر است که بیان شد و مبانی‌اش هم ذکر شد که علی‌الاصول قابل‌قبول نبودند علی‌رغم اینکه ما اصل تخییر را قبول داشتیم، مثل روایت سماعه، تنقیح مناط، به شکلی اطلاقات از شش دلیلی که بیان شد، چند مورد قابل‌قبول بود که تخییر را در موارد تساوی و بعضی از صور احتمال اعلمیت و ظن به اعلمیت جاری می‌شد؛ اما قاعده تخییر درجایی که علم اجمالی باشد، گفتیم که جاری نیست.

2- نظر دیگر این بود که علی الاطلاق ما قائل به احتیاط می‌شدیم که ظاهر کلام مرحوم آقای خویی و جمع کثیر دیگر این هست. متن عروه این بود که «**الأحوط وجوب الإحتیاط**»، متن عروه احوط بود. بعضی به‌عنوان فتوا بیان کردند و نظر این است که به طور مطلق باید قائل به احتیاط شد، که ما دومی را ترجیح دادیم.

3- در اینجا یک نظر تفصیلی به‌عنوان سومین نظریه در اینجا هست این تفصیل در حاشیه مفصل حضرت آیت‌الله سیستانی ذکر شده است. شبیه این مورد را هم در جایی دیگر ایشان بیان کرده بودند تعلیقه‌‌ مفصلی هم ایشان ذکر کردند و از آن یک تفصیلی بیرون می‌آید. بنابراین نظریه سوم تفصیل بین موارد است، در مواردی قائل به احتیاط هستند و بعضی موارد دیگر قائل به عدم وجوب احتیاط هستند؛ نظر سوم خالی از دقت نیست برای اینکه مطلب روشن بشود، بایستی مقدمه بیان شود و بعد صور و اقسام و احکام، طبق آنچه در تعلیقه ایشان آمده، متعرض بشویم.

# تفکیک علم اجمالی به اعلم و تکلیف

مقدمه این است که در اینجا باید میان دو چیز تفکیک بکنیم: یکی علم به وجود اعلم علی نحو الاجمال است و دیگری علم به وجود تکلیف است. این دو با هم متفاوت است. گاهی این‌طور هست که مدنظر نیست که این دو شخص که دو طرف علم اجمالی در اعلمیت هستند، چه نظری را بیان می‌کنند. می‌گوییم که بالاخره اعلمی هست، ما نمی‌شناسیم و باید احتیاط بکنیم جمع میان قولین کرد.

در این نظر علم اجمالی روی اعلم است، اعلم هم مردد است، طبق قواعد اولیه بایستی احتیاط میان این دو نظریه کرد، متعلق علم اجمالی در اینجا؛ وجود الأعلم به نحو مردد است، اما یک چیز دیگری هم هست که گاهی با قطع‌نظر از اینکه اینجا اعلمی هست یا نیست، یا نظریه‌شان چیست، به وجود اعلم علم اجمالی نیست، بلکه علم اجمالی به تکلیف است، مثلاً وقتی ظهر می‌شود، برای کسی که کثیر السفر است و راننده نیست، این شخص در سفر علم اجمالی دارد که باید نماز بخواند، یک نماز بر عهده او هست، آن نماز یا قصر و یا تمام است، در متن واقع جمع و تخییر منتفی است و نماز این شخص قصر و یا تمام است در اینجا اگر علم اجمالی به اعلم نباشد، به همین صورت مردد هست و یقین دارد که تکلیفی بر عهده او هست.

یک مقوله‌ای هست بنام علم اجمالی به وجود اعلم و مقوله دیگر علم اجمالی به خود تکلیف هست، با قطع‌نظر از اینکه علم اجمالی به اعلم داریم یا نداریم.

علم اجمالی که به وجود تکلیف پیدا می‌شود، درجات و مراتبی دارد که بیان خواهد شد؛ لذا گاهی علم اجمالی به وجود اعلم است و گاهی علم اجمالی به خود تکلیف است، با قطع‌نظر از اینکه در اینجا اعلمی هست یا نیست؛ به حیثی اگر احتمال اعلمیت می‌دهد یا احتمال اعلمیت هم نمی‌دهد و تساوی هست، اینجا علم اجمالی به وجود اعلم ندارد؛ اما در این مسئله علم اجمالی به وجود تکلیف دارد که در اینجا یا نماز او قصر و یا تمام است.

نظریه حضرت آیت‌الله سیستانی در اینجا، علم اجمالی به وجود اعلم را با این مقایسه می‌کند، لذا تفصیلی که در اینجا در علم اجمالی به وجود اعلم می‌گوییم، این تفصیل در فرض تساوی هم آیت‌الله سیستانی بیان کرده بودند ملاحظه کرده بودند که آیا در خود تکلیف علم اجمالی هست یا نیست؟ روح کلام ایشان درواقع این است که اگر این علم اجمالی اعلم همراه شد با علم اجمالی به وجود تکلیف، به یکی از شکل‌هایی که بیان خواهد شد، در آنجا احتیاط واجب است و الّا احتیاط واجب نیست.

علم اجمالی وقتی به اعلم است و به تبع آن علم پیدا می‌کند که یکی از این دو شخص اعلم است، یک‌بار هست که با قطع‌نظر از علم اجمالی، نسبت به خود تکلیف علم اجمالی دارد.

# اقسام علم اجمالی به تکلیف

علم اجمالی به تکلیف دو نوع هست:

1 – علم اجمالی عام به تکالیف؛ اینکه مکلف خود را در برابر خداوند می‌بیند، یقین دارد تکالیفی در شریعت است که بر عهده او هست، اما معیناً نمی‌داند. این علم اجمالی عام و کلی به تکلیف است که به مکلف می‌گوید یا تقلید یا احتیاط بکن و یا مجتهد بشوید.

2 – علم اجمالی خاص؛ مقصود از علم اجمالی خاص، این است که در خصوص این مسئله ما علم اجمالی داریم یا نداریم. گاهی با شنیدن حرف‌های مجتهدین و اطلاعی که دارد، می‌داند که وقتی کثیر السفر است و راننده نیست، علم اجمالی دارد که در ظهر نماز را قصر و یا تمام بخواند، یقین هم دارد که جمع میان قصر و اتمام در واقع نیست، تخییر نیست؛ بلکه یکی از دو تکلیف است. این علم اجمالی به تکلیف خاص است که غیر از علم اجمالی عام است.

آیت‌الله سیستانی در تعلیقه‌شان می‌فرمایند: صورت اولی که بحث می‌کنیم، البته در بعضی از صور دیگر هم جاری می‌شود؛ اما در این صورت مصداق اصلی‌اش است که علم اجمالی به وجود اعلم دارد احتمال‌ها مساوی هست و امکان احتیاط هم هست، ایشان غیر از قول به تخییر مطلق یا احتیاط مطلق، به سمت قول سوم تمایل پیداکرده‌اند که تفصیل است، در تفصیل می‌فرمایند در اینجایی که علم اجمالی به اعلم هست، بر چند قسم است:

# علم اجمالی به تکلیف با قطع نظر از علم اجمالی به اعلمیت یکی از مجتهدان

1 – قسم اول در جایی است که در خصوص یک مسئله، علاوه بر وجود اعلم میان دو شخص، علم اجمالی به تکلیف منجز الزامی دارد به طور مثال برای کثیر السفر غیر راننده یا نماز قصر و یا تمام است، یکی از مجتهدان می‌گویند قصر و دیگری می‌گوید باید نماز را کامل بخواند، در اینجا قطعاً باید قائل به احتیاط بشویم، برای اینکه علم اجمالی به یکی از دو تکلیف دارد. درصورتی‌که اعلم را تفصیلاً می‌داند، همان تکلیف را عمل می‌کند؛ اما اگر به‌تفصیل نرسد، باید شخص احتیاط بکند برای اینکه علم اجمالی گریبان او را گرفته است و برائت یقینی می‌خواهد.

# علم اجمالی مرکب به تکلیف و علم اجمالی به اعلمیت یکی از مجتهدان

2 – گاهی در خصوص یک مسئله، با قطع‌نظر از یک ترکیبی که بیان خواهد شد، انسان علم اجمالی به تکلیف ندارد، دو مسئله در باب سجده است، یکی جلسه استراحت بعد از سجده ثانیه است که بعضی می‌گویند واجب و بعضی می‌گویند واجب نیست، مسئله دیگر جلسه استراحت بین دو سجده است که اختلافی است.

در خود این تکلیف علم اجمالی به تکلیف الزامی نیست، برای اینکه یک‌طرف می‌گوید واجب و طرف دیگر می‌گوید واجب نیست، هر وقت یکی از دو طرف احتمال عدم الزام شد، در آنجا علم اجمالی به تکلیف الزامی نیست، برای اینکه می‌داند یا واجب است و یا واجب نیست. واجب نباشد، تکلیفی بر عهده او نیست. جلسه استراحت بین دو سجده هم به همین صورت است. در خود تکلیف علم اجمالی وجود ندارد.

اگر دو مجتهد باشند که نظرهایشان در این دو مسئله معکوس است. آقای زید می‌گوید که جلسه استراحت اول یعنی بین دو سجده، واجب است؛ اما جلسه استراحت دوم بعد از سجده دوم، واجب نیست. نظر آقای عمرو معکوس این قول است؛ می‌گوید جلسه استراحت بین دو سجده واجب نیست؛ اما جلسه استراحت بعد از دو سجده، واجب است.

اگر این دو مسئله استراحت بین دو سجده و بعد از دو سجده را جدا ببینیم، در هر دو علم اجمالی به تکلیف نیست برای اینکه یک ‌طرفشان عدم وجوب است اما اگر این دو با هم دیده بشود، یک علم اجمالی جدید است. اگر زید اعلم باشد که جلسه استراحت بین دو سجده واجب است و استراحت بعد از سجده دوم واجب نیست، اگر عمرو اعلم باشد، جلسه بین دو سجده واجب نیست و جلسه استراحت بعد از دو سجده واجب است در این صورت یا این واجب است و یا طرف دیگر واجب است، لذا علم اجمالی جدید ایجاد می‌شود.

به‌صورت جداگانه علم اجمالی به تکلیف نیست اما اگر بدانیم که اعلمی هست و بدانیم که این دو نفر در دو مسئله نظر معکوس دارند، در این صورت علم اجمالی دارد یکی از جلسات استراحت برای او واجب است. در اینجا یک فرمول دقیقی علم اجمالی به تکلیف الزامی در مسئله پیدا شد، در خیلی از موارد علم اجمالی ترکیبی وجود دارد.

تفاوتش با صورت اول این است که در صورت اول، کثیر السفری که راننده نیست، علم اجمالی‌اش خیلی وابسته به اعلم نیست، هم در مسئله واحده با قطع از نظر از مسائل مختلف، شخص علم اجمالی دارد که امروز یا باید نماز را قصر و یا تمام بخواند، از این دو امر خالی نیست؛ اما در قسم دوم، این علم اجمالی تحت تأثیر علم اجمالی به اعلم است. دیگر اینکه در مورد مشخص تنها و مسئله واحده علم اجمالی نیست، دو مسئله ترکیب‌شده و علم اجمالی ایجاد شد، علم اجمالی هم منجز است و تکلیفی بر عهده شخص آمده است.

آیت‌الله سیستانی در این دو نوع می‌فرمایند که احتیاط واجب است؛ اما در نوع اول می‌گویند احتیاط حالت قوی‌تری دارد؛ چون آنجا علم اجمالی به تکلیف با قطع‌نظر از اینکه اعلمی هست یا نیست، ذاتاً یک ظرفیت علم اجمالی مستقل دارد؛ اما در اینجا که ترکیب علم اجمالی با اعلم شده است باید احتیاط بکند. در قسم دوم یک علم اجمالی در اثر ترکیب دو مسئله و تحت تأثیر علم اجمالی به وجود اعلم پیداشده و تکلیف بر عهده شخص آمده است، باید احتیاط بکند. دو قسم دیگر هم وجود دارد که ان‌شاء‌الله بیان می‌شود.